

نوشته‌ای بر نگین از دوره ساسانی*

سیروس نصراله‌زاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
آرش عابدینی عراقی (باستان‌شناس اداره میراث فرهنگی مازندران)

چکیده: مقاله حاضر درباره قرائت کتیبه پهلوی ساسانی بر نگین انگشتری است که در مازندران یافت شده است. این نگین نوشته جمله‌ای است درباره یاری جستن و امید به خدای/ شاه که نسبت بدو پشتیبانی و امید دارند. علاوه بر ترجمه این نگین نوشته و شرح آن، به معنی واژه خدای در این کاربرد نیز پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: پهلوی ساسانی، کتیبه، نگین انگشتری، مازندران، ساری

۱. مقدمه

این انگشتر با نگین نوشته‌ای از گوری در منطقه کوهستانی جنوب شهرستان ساری یافت شده است که طی یک حفاری غیرمجاز به همراه تعدادی اشیا نقره‌ای دوره ساسانی به دست آمده و اکنون در موزه شهر ساری در استان مازندران است. کتیبه در دو سطر نوشته

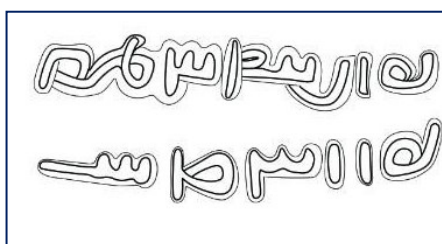
* استاد ارجمند خانم دکتر مهشید میرفخرایی و دوست گرامی خانم دکتر سمرا آذرنوش مقاله حاضر را از سر لطف خواندند و نظرات ارزشمندی در بهتر شدن مقاله دادند. از هردو بزرگوار بسیار سپاسگزاریم و البته مسئولیت مقاله برعهده نگارندگان است.

شده است. نوع نگارش آن بدیع و زیبا و همچون اثرمهرهای اداری است. نگین آن عقیق و اندازه آن ۲ × ۱ سانتی‌متر است. رکاب انگشتی از جنس نقره مرغوب و بدون نقش است. این نگین نوشته نوعی امید و آرزو را بیان می‌کند؛ مشابه آن را بر بسیاری از مهرهای دیگر می‌توان دید (برای نمونه نک: Gignoux 1976: 41-56; Gignoux and Kalus 1982: 128f). علاوه بر این، در منابع مکتوب دوره اسلامی نیز بدین گونه نگین نوشته‌ها یا خاتم‌ها اشاره شده است. از آن جمله است خاتم بهرام گور (غزالی، نصیحۃ‌الملوک، ۱۳۸؛ راوندی، راحة‌الصدور و آية‌السرور: ۷۲)، انگشتی‌های چهارگانه خسرو انوشیروان و نه‌گانه خسرو پرویز (مسعودی، مروج‌الذهب، جلد ۱: ۳۰۹ و ۳۲۰) و یا انگشتی‌های شاهان ایران (بلاذری، البلدان و فتوحها و احکامها: ۵۰۸ نیز نک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۱۱).^۱ نوع ادبی مهمی که از ایران باستان به دوره‌های بعد رسیده «ادبیات اخلاقی ایرانی» است که مضمون آنها دعا، اندرز، تهذیب روح و تزکیه نفس و تربیت انسان است تا آدمی صاحب علو نفس و صفات پسندیده و اخلاقی شود. ایرانیان در دوره ساسانی توجه زیادی به این مضامین اخلاقی داشتند. بنا به گفته جاحظ ایرانیان اندرز و موعظه‌های خود را علاوه بر کتاب، بر صخره‌های عظیم یا بر دیواره بناهای بزرگ به یادگار نوشته‌اند. علاوه بر این، بر طراز لباس، حاشیه فرش، کناره سفره‌ها، بر ظروف و بر تاج شاهان سخنان کوتاه و پندآمیز می‌نوشتند. مسعودی از خوان بزرگ خسرو انوشیروان یاد می‌کند که بر گردگرد آن سخنان حکمت‌آمیز نوشته بودند (به نقل از محمدی ملایری ۱۳۸۰: ۲۵۷/۴ و بعد).

۲. کتیبه:

۱. غزالی در نصیحۃ‌الملوک (۱۳۵۱: ۱۳۸) درباره نگین نوشته خسرو انوشیروان چنین آورده است: «... انگشتی در انگشت وی (راوندی، راحة‌الصدور، ۷۲، انگشت راست آورده است)، نگین از یاقوت سرخ گرانمایه ... و بر نگین وی نبشته: «به به، نه به به» یعنی بهتری بهتری است نه مهتری بهتری/ مهتری به بهتری است نه بهتری به بهتری. اندرزها قالب‌های متنوعی دارند که غالباً توصیه‌های اخلاقی، اعتدال و میانه‌روی است (برای مباحث درباره اندرزهای ایرانی نک: Shaked and Safa 1985: 19-132, de Fouchécour 1986). اندرزهایی بر روی دخمه/ ناووس شاهان ساسانی در منابع دوره اسلامی نیز آمده است (نک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۱۲-۲۱۳).

نگین‌نوشته حاضر چنین خوانده شده است:



- 1) pwšt [W] `wmyt
- 2) PWN hwt'y
 - 1) pušt [ud] ummēd
 - 2) pad xwadāy.

پشت [و] امید به خدای.

۳. تعلیقات

سطر نخست:

pušt. در ادبیات زردشتی و مانوی به معنای «پشت؛ پشتیبانی، حمایت» (Nyberg 1974: 287; MacKenzie 1986: 69; Durkin-Meisterernst 2004: 287) و در فارسی نو با همین معنی به فراوانی به کار رفته است. در کتیبه شاپور در کعبه زردشت: PWN yzt'n pwšty/ pad yazadān pušt. در روایت ساسانی و pt'y y'ztn pwšt در روایت اشکانی در معنی «با پشتیبانی ایزدان» (Back 1978: 251; Huyse 1999: 45)؛ در کتیبه کرتیر، سرمشهد ۲ (= کعبه زردشت ۲ و نقش رستم ۴)، سرمشهد ۲۲ (= کعبه زردشت ۱۴ و نقش رستم ۲۱-۲۲) PWN pwšty ZY yzd'n W MLKAn (به پشتیبانی ایزدان و شاه) آمده است (Gignoux 1991: 54, 63). همچنین، در کتیبه پایکلی عبارت فعلی pr'c ... pwšty OZLWN/ frāz ... pušt «(به پشتیبانی رفتن)» و جمله šaw ZNE `yr'nštry pwšty ZY yzd'n KBYR Incy W `wd'm «(این ایرا نشهر به پشتیبانی ایزدان رنج و درد بسیار را تحمل کرد)» آمده است (Humbach and Skjærvø 1983/3.1: 28, 56). در تعدادی از اثر مهرهای ساسانی (Idem 1979: 159-163; Idem and Gignoux 1976: 41-56) عبارت pwšt yzd'n «(به پشتیبانی ایزدان)» و در کتیبه‌ای دیگر از این اثر مهرها چنین آمده است: LY pwšty OL yzd'n [k]rpk MN MLKAn

MLKA/ man pušt ō yazadān kirbag az Šāhān Šāh «مرا پشتیبانی از ایزدان و کرفه از شاهنشاه (است)» (Gyselen 2007: 114).

ummed. دشواری خوانش این واژه در نامشخص بودن حرف «ی» بعد از «م» است. در منابع فارسی میانه واژه غاصت آمده است. اما مشابه عبارت نگین‌نوشته را در متن یوست‌فریان و اخت جادو می‌توان دید (کرده ۳: ۸۵):

kū frašnīhā ī tō Yōšt ī Fryān kē ummēd ō Ohrmazd xwadāy kard kē pad ham-zamān ō pušt ud ayārīh rasēd.

«که: پرسش‌هایی را که تو یوست‌فریان، که امید به اورمزدخدا / سرور کردی، که در زمان (فوراً) به پشتیبانی و یاری (ات) برسد.» (جعفری ۱۳۶۵: ۸۹). قرائت دیگر می‌تواند humat «اندیشه نیک» باشد. اما تاکنون این واژه به‌تنهایی در متون پهلوی نیامده و غالباً سه‌گانه هومت، هوخت و هوورشت با هم می‌آیند. هومت (پهلوی humat از اوستایی -humata)، هوخت (پهلوی hūxt از اوستایی -hūxta) و هوورشت (پهلوی huwaršt از اوستایی -hvaršta)، سه اصل اخلاقی دین زردشتی، نخست در یسنای هفت‌ها آمده و در اوستای نو بسیار تکرار شده است. این سه عبارت در متون زند به‌صورت humenišn(īh), hugōwišn(īh), hukunišn(īh) ترجمه شده و در ادبیات پهلوی و فارسی زردشتی از اصول مهم اخلاقی دین زردشتی است که در زندگی روزمره آنان نقش مهمی دارد (Boyce 2004). اگر چنین باشد ترجمه این‌گونه می‌تواند باشد: «پشتیان و اندیشه نیک برای خدای». قرائت دیگر، اما نامحتمل، این است که به جهت ساختار اندرز می‌توان انتظار آمدن فعل دعایی را داشت. این فعل دعایی می‌تواند غاسات hēd, hād/ HWEt یا به احتمال کمتر غاصت HWEyt /hēd باشد؛ اما در هیچ‌یک از منابع پهلوی صورت سا به‌صورت شفت نیامده است.

سطر دوم:

xwadāy. در منابع کتیبه‌ای و پهلوی کتابی واژه خدای با هزوارش و بدون هزوارش به معانی زیر آمده است:

(۱) «سرور» (MacKenzie 1986: 95) و «فرمانروا در مفهوم سیاسی» که گاه همراه با واژه پادشاه، xwadāyān ud padixšāyān، و در معنای «خدایان/ سروران و پادشاهان»، در ترکیب با dahibed به معنای «دهبید، فرمانروا» و به همراه sar به صورت sar-xwadāy به معنای «شاهک، شاهزاده» آمده است.

(۲) در ترکیب برای هستی‌های الهی و در معنی «سرور» آمده است: Ohrmazd xwadāy (Nyberg 1974: 222).

در منابع مانوی به صورت xwd'y و به معنای «سرور» به کار رفته است (Durkin-Meisterernst 2004: 367). در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت به صورت هزوارش MROHY در روایت ساسانی و hwtwy در روایت اشکانی آمده است. این واژه چهار بار در این کتیبه آمده است.

(۱) در بند یک که شاپور خود را «خدای ایران» در معنی «سرور» نامیده است.
an mazdēsn bay Šābuhr šāhān šāh Ērān ud Anērān ... Ērānšahr xwadāy hēm.
«من شاپور خداوندگار مزدایرست شاهنشاه ایران و انیران... فرمانروا هستم» (Huyse 1999: 22).^۲ در روایت یونانی همین سطر κυριος معادل «خدای» به معنای «سرور، مالک، حاکم» آمده است.

(۲) در عنوان ساسان «ساسان - خودای» که در روایت یونانی باز هم κυριου آمده است. اگر او همان ساسان نیای ساسانیان باشد معنای «سرور و حاکم» دارد (Idem: 49).

(۳) در عنوان «ساسان خدای اندیگان» که در روایت یونانی معادل خدای واژه

۱. هویسه هم Herr ترجمه کرده است، نک: Huyse 1999: 22.

۲. واژه خودای ظاهراً در زمان اشکانیان برای واژه یونانی autokratōr به معنای «سرور، فرمانروا»، معادل امپراتور، ساخته شده است. در اصل به معنای «خودحاکم» (self-ruler)، از auto به معنای «خود» و karator به معنای «حاکم»، است. خود واژه خودای هم همین ساختار را دارد: *xva به معنای «خود» و *tāvaya از ریشه *tav به معنای «توانستن». در آغاز در فضای سیاسی استعمال می‌شده و بار منفی داشته است. چنان‌که در یادگار زیرین دیده می‌شود: خودای برای تورانیان و شاه برای ایرانیان. اما به تدریج در ادب پهلوی «شاه» معنا شده و در دوره اسلامی معادل «الله» شده است. در کتاب‌های ادبی و تاریخی دوره اسلامی معنای «شاه» داشته است (برای تفصیل، نک: Shayegan 1998: 31-54).

^۱ δεσποτου به معنای «سرور، حاکم» آمده است (Idem: 54f.).^۲

۴) در عبارتی دیگر مشابه عبارت قبلی «نرسه خدای اندیگان» در روایت یونانی معادل κυριου آمده است (برای تفصیل بحث، نک: Huyse 1999: 16f.). در کتیبه پایکلی همه‌جا معنای «سرور» دارد (Humbach and Skjærvø 1983: 3/112). در منابع سعیدی مسیحی به صورت‌های Gharib 1995: 178, 435, 440;) γwt'w و نیز به صورت xwt'w, xwtw, xwd'w, xwdw, xwt'w (Sims-William 2016: 226f.) به معنای «خدا، شاه، سرور، حضرت» آمده است. در منابع فارسی نو به معنای ۱) «شاه»، مثل بخاراخدا و توران‌خدا.^۳ ۲) «صاحب و مالک»، مثل خانه‌خدا و خرخدا. ۳) «رئیس، سرور، بزرگ قوم»، مثل دژخدا و ده‌خدا و کدخدا، آمده است (نک: لغت‌نامه دهخدا زیر مدخل خدا با شواهد). در متون پهلوی زردشتی هم، جز مواردی که معنای «سرور» دارد، در چند مورد معنای «پروردگار» دارد که ظاهراً متأثر از متون فارسی نو است. در متون پهلوی نوشته‌شده در سده‌های سوم هجری به بعد است که این تأثیرپذیری بسیار محتمل به نظر می‌آید. در کتیبه‌ها و متون پهلوی برابر نهاد برای پروردگار دو واژه «بی / بغ» (bay) و «یزد، ایزد» (yazad) است. حتی در زبور پهلوی سده‌های ۹ و ۱۰ میلادی هم این کاربرد ادامه یافته و واژه ایزد (īzad) برای «پروردگار» و خدا (xōdā) برای «سرور» آمده است. در متون فارسی یهودی، سده ۸ میلادی، واژه خدا همراه با ایزد آمده و معنای «سرور» دارد. به احتمال بسیار ایرانیان نومسلمان بودند که برای جداسدن از گذشته زردشتی خود، واژه خودای را در معنای «پروردگار» استفاده کرده‌اند (برای تفصیل و شواهد، نک: Shayegan 1998). شاهدهای دیگر برای این واژه گورنوشته‌ها و کتیبه‌های یادبودی ساسانی است. گورنوشته‌ها و کتیبه‌های یادبودی، برخلاف متون پهلوی که بازنویسی

۱. واژه δεσποτειαν در سه جا (سطر ۵۳ و ۵۵ و ۵۹ روایت یونانی) به جای hwtwpy پارسی، در سطر ۲۴ روایت پارسی (معادل ساسانی آن خراب شده است)، و hwt'dyhy در روایت ساسانی سطر ۲۲، و یک بار به صورت δεσποτας در سطر ۶ روایت یونانی در ترجمه واژه štrd'ly در روایت فارسی میانه ساسانی و hštrdry در روایت اشکانی آمده است (Huyse 1999: 128).

۲. هویسه (Idem: 54f.) «حاکم» (Herscher) ترجمه کرده است.

۳. فرزندان ماهویه کشنده یزدگرد را خداکشان می‌گفتند.

شده‌اند، بدون تحریف و بازتاب زمانه خود هستند. در سه گورنوشته خودای آمده که دو تا از آنها مربوط به تدفین زردشتی و یکی مربوط به مسیحیان ایرانی است. کتیبه نخست کازرون ۵ است. این کتیبه براساس قرائت نصراله‌زاده تاریخ ندارد، اما به قیاس با کتیبه کازرون ۲، که سال ۹۳ یزدگردی (برابر ۱۰۶ هجری و ۷۲۵ میلادی) دارد و کتیبه‌های مشابه، باید آن را مربوط به سده دوم هجری به بعد دانست. در این کتیبه این عبارت آمده است: *ud wahišt bahr* پرویزان‌هید را اورمزد خدای به بهشت برین جای / جایگاه دهاد». تشخیص معنی «خدای»، «سرور» و یا «پروردگار» دشوار است، اما محتملاً معنای «سرور»، به مانند اورمزدخدای در متون پهلوی است. مشابه این عبارت اما با واژه یزدان به جای خودای در کازرون ۱۱ آمده است که تاریخ آن ۷۶ یزدگردی (۸۸ هجری و ۷۰۷ میلادی) است. عبارت پایانی این گورنوشته چنین است: *u-š yazadān be āmurzāyēd* «و یزدان او را بیامرزاید». اینکه در اینجا منظور یزدان، صورت جمع ایزد، در سنت زردشتی است یا اسم جمع در معنای پروردگار، متأثر از سنت اسلامی، نامشخص است. به نظر می‌رسد احتمال دوم، یعنی اینکه یزدان زیر تأثیر سنت اسلامی بوده و وارد سنت زردشتی شده بیشتر است. از این رو، شاید قدیم‌ترین کاربرد یزدان به جای پروردگار / اورمزد در این کتیبه باشد.^۱

کتیبه دوم کتیبه شی آن در چین است. این کتیبه سه تاریخ یزدگردی، هجری و چینی دارد. تاریخ یزدگردی ۲۴۲ و هجری ۲۶۰ (برابر ۸۷۴ میلادی) است. در این کتیبه در عنوان‌های شاه چین این عبارت آمده است: *sāl 15 hamē-pērōzgar xwadāy baypuhr ī Xēm-tōn* ... (...

۱. در ترجمه فارسی قرآن به جای الله گاه واژه یزدان ذکر شده است: علی‌رغم آنکه در اینجا یزدان صورت جمع است اما در سنت ایرانی - اسلامی معنای مفرد گرفته است. در ترجمه‌های فارسی قرآن، از سده ۵ هجری به بعد، واژه خدای، و خداوند و خدایگان و غیره، به عنوان معادل واژه‌های مختلف عربی آمده است. در ترجمه الله، «خدای، خداوند، ایزد (یک بار و تاریخ ترجمه ۹۰۵ هجری است)، پروردگار» آمده است (یاحقی ۱۳۸۹: ۲۳۷/۱). همچنین واژه اللهم به «خداوند، بارخدای، یا خدای من» و واژه رب، و صورت‌های مختلف آن، به «خداوند، خدایگان، خداوندان، پروردگار، مهتر، پادشاه، خدیو، خدای آفریدگار» ترجمه شده است. همچنین، در ترجمه واژه‌های ذو، صاحب، اولی، مولا، اهل معادل «خداوند، خوانند، خدیو و ...» آمده است (نک: یاحقی ۱۳۸۹: ج ۵).

سال ۱۵ خدای همیشه‌پیروز ب‌غپور (پسر خدا) خیمتون». واژه خدای در این عبارت حتماً معنای «سرور، خداوندگار» دارد. در عبارت دعایی پایانی کتیبه از اورمزد و امهرسپندان آرمزش خواسته شده است (نصراله‌زاده ۱۳۹۸). دو کتیبه دیگر مربوط به مسیحیان ایرانی است. نخستین کتیبه، کتیبه یادبودی نوشته‌شده بر روی ۶ صلیب در هند است. این صلیب‌ها را مربوط به سده هفتم میلادی/ سال اول هجری دانسته‌اند و ظاهراً هنگامی که مسیحیان نستوری ایرانی به هند رفته بودند، آنها را نوشته‌اند (تفصیل آن در نصراله‌زاده ۱۳۹۸ با ذکر ادبیات پیشین). در سطر آغازی این کتیبه یک‌سطری عبارت MROHA-mn mšyh' / xwadāy-man Mašīhā آمده که معنای «سرورم مسیح» است. کتیبه آخر گورنوشته استانبول است. این کتیبه را مربوط به سده ۹ و ۱۰ میلادی، چهارم و پنجم هجری، دانسته‌اند. عبارت چنین است: ēn gōr Hōrdād pūsar ī Ohrmazd-Āfrīd rāy ast kū-š xwadāy be āmurzāy: «این گور برای خرداد پسر اورمزد آفرید است که خدایش بیامرزاد». در اینجا شاید متأثر از سنت مسیحی، خودای احتمالاً به معنای «پروردگار» است.^۱ از این شاهد‌های کتیبه‌ای چنین برمی‌آید که خودای، به‌جز کتیبه استانبول، معنای «سرور، خداوندگار» را حفظ کرده است. از این‌رو، اگر این انگشتر مربوط به دوره ساسانی یا حتی اوایل دوره اسلامی باشد، دشوار است که تصور کرد خودای معنای «پروردگار/ اورمزد» داشته باشد.

۴. نتیجه

مطابق قرائت انجام‌شده از این نگین‌نوشته ساسانی، و با این فرض که انگشتر مربوط به دوره ساسانی است، واژه خدای در اینجا معنای «سرور، شاه، حاکم» دارد و متضمن پشتیبانی و حمایت و نیز امید از سوی «سرور، شاه/ حاکم» است. نگارندگان این نوع طلب حمایت از

۱. در سطر دوم همین کتیبه عبارت bār-xwadā ī Mašīh «بارخدای مسیح» آمده که معنای «سرور» دارد (نصراله‌زاده ۱۳۹۸). در لغت‌نامه دهخدا برای ترکیب بارخدا معنای «خداوند، حق‌تعالی، باری‌تعالی، بلندمرتبه، بلندمقام، خداوند، پادشاه بزرگ» آمده است. جزء نخست آن نامشخص است و شاید از واژه باری در باری‌تعالی به معنای «بزرگ و جلیل» باشد (نک: لغت‌نامه دهخدا ذیل مدخل بارخدا).